

تعارض منافع در حکمرانی تنظیم‌گرا با تمرکز بر حوزه انرژی



پژوهش‌های
سلامت اداری
سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۴
صفحه ۹۵ الی ۱۳۱



چکیده

مدیریت تعارض منافع و شناسایی موقعیت‌های آن به چهارچوب قانونی و نظارتی و تعریف هر کشور از این مسئله بستگی دارد. مدیریت و حل مناسب این موقعیت‌ها زمینه را برای جلوگیری از فساد و بی‌اعتمادی عمومی فراهم می‌کند؛ برای مثال بخش انرژی هر کشور و انحصار طبیعی موجود در آن، بستر بروز چالش‌های مذکور است. زمانی حل این چالش پیچیده‌تر می‌شود که بازیگران جدید وارد عرصه تنظیم‌گری شوند. نیاز است که به همه ابعاد این مسئله و ذی‌نفعان و بازیگران حوزه

حسن قرونه^۱ (استادیار،
گروه حکمرانی،
دانشکده حقوق و
علوم سیاسی، دانشگاه
شیراز، شیراز، ایران)

مهتاب سلیمانی
کرمانی (دانشجوی
کارشناسی ارشد
گروه حقوق عمومی و
بین‌الملل، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه شیراز، ایران)

۱. نویسنده مسئول

hassan.ghoronh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰

انرژی مبتنی بر منطقی خاص، همچون حکمرانی تنظیم‌گرا، نگاه شود. مبتنی بر این منطق، مقررگذاری و ایجاد رویه‌های شفاف در تعاملات بازیگران و تلاش برای شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع و ارائه راه‌حل در صورت بروز موقعیت‌ها، از کارکردهای این نوع حکمرانی است. ارزیابی تأثیر مقررات یکی از سنجه‌های اصلی حکمرانی تنظیم‌گرا است؛ بر این اساس، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران با بررسی و به‌روزرسانی مداوم قوانینی که به مدیریت تعارض منافع ربط دارند، کارکرد قوانین را می‌سنجند. در صورت عدم کارایی آن را اصلاح می‌کنند یا به وضع قوانین مؤثرتری دست می‌زنند.

واژگان کلیدی: اعتماد عمومی، تنظیم‌گر انرژی، ارزیابی مقررات، رگولاتوری، افشا، سندباکس



Conflict of Interest in Regulatory Governance with a Focus on the Energy Sector

Hassan Ghoronh¹ (Assistant Professor, Department of Governance, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran)

Mahtab Soleimani Kermani (Master's student, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran)

Abstract

Managing conflicts of interest and identifying their situations depend on the legal and regulatory framework, as well as each country's definition of the issue. Proper management and resolution of these situations provide the basis for preventing corruption and public distrust. For example, each country's energy sector and its natural monopoly create the context for the emergence of the aforementioned challenges. Solving this challenge becomes more complex when new actors enter the regulatory arena. It is necessary to consider all dimensions of an issue and the stakeholders and actors in the energy sector based on specific logic, such as regulatory governance. Based on this logic, setting regulations and creating transparent procedures in the interactions of actors, as well as identifying conflicts of interest and providing solutions if situations arise, are among the functions of this type of governance. Evaluating the impact of regulations is one of the principal measures of regulatory governance. Accordingly, policymakers and legislators assess the effectiveness of laws by continuously reviewing and updating laws related to conflicts

1. Responsible author

of interest management. If they are ineffective, they amend them or enact more effective laws.

Keywords: Public trust, energy regulator, regulatory assessment, regulatory, disclosure, sandbox



مقدمه

پیچیدگی‌های فنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پروژه‌های زیربنایی بخش انرژی، بستری را برای بروز چالش‌های مدیریتی، قانونی و تعارض منافع^۱ واقعی در سطوح مختلف فراهم می‌کند. در پروژه‌های زیربنایی تنظیم‌کنندگان و ذی‌نفعان متعددی اعم از بخش عمومی، خصوصی و مردم وجود دارند. به‌روزرسانی منظم چهارچوب‌های نظارتی و انطباق آن‌ها با پیشرفت‌های تکنولوژیکی در حوزه انرژی یک ضرورت است. سیاست‌گذاران باید به‌طور مداوم این چهارچوب‌ها را ارزیابی کنند و در صورت نیاز به اصلاح رویه بپردازند.

از آنجا که موفقیت پروژه‌های زیربنایی تا حد زیادی به چهارچوب قانونی و نظارتی هر کشور بستگی دارد، لازم است جهت پیشگیری از فساد^۲ و جلوگیری از بی‌اعتمادی عمومی نسبت به دولت، مدیریت و حل مناسب موقعیت‌های تعارض منافع از طریق قانون‌گذاری در دستور کار قرار گیرد؛ چه بسا عدم اهتمام به این مسئله، خطری برای حاکمیت قانون و مقررات‌گذاری و توسعه و اجرای سیاست‌ها محسوب شود؛ در

1. Conflict of Interest (COI)

2. corruption

عملکرد بازار اخلاص ایجاد کند و در نهایت منجر به ترویج فساد شود. (Dufková & Mikolášková, 2018:37).

با استفاده از ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرا می‌توان موقعیت‌های تعارض منافع را کشف کرد و از طریق اصلاح یا تصویب مقررات و قوانین مناسب به رفع آن پرداخت. در این مدل حکمرانی نقش بازیگران دولتی و غیردولتی در تنظیم‌گری بخش انرژی که به صورت مشارکتی یا به صورت موازی با هم تعامل دارند، معین می‌شود. در این چهارچوب نقش دولت و دیگر بازیگران بازتعریف می‌شود؛ همچنین دولت از انعطاف و سازگاری بیشتری در مواجهه با شرایط گوناگون برخوردار می‌شود.

با شناسایی دیگر نهادهای تنظیم‌گر در کنار دولت، تعارض منافع و فساد به مسئله جدی‌تری تبدیل می‌شوند. در چند سطح می‌توان از موقعیت تعارض منافع صحبت کرد:

- در سطحی که فرد حاضر در نهاد تنظیم‌گرا عم از عمومی و خصوصی، منفعت خانوادگی یا شخصی دارد که بر تصمیمات او در نهاد تأثیر می‌گذارد؛
- در سطح سازمانی که منافع سازمانی وی در یک نهاد با منافع وی در نهادها و سازمان‌ها تعارض دارد.

یکی از مفاهیمی که ارتباط تنگاتنگی با مسئله تعارض منافع دارد، فساد است. فساد نوعی رفتار غیرقابل اعتماد محسوب می‌شود و عموماً به سوءاستفاده از مناصب عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌شود. قابل ذکر است که فساد می‌تواند توسط بخش خصوصی و با استفاده از قدرت اقتصادی آن‌ها آغاز شود (You, 2018:478). با سوءاستفاده از قدرت محول‌شده به مقام عمومی یا خیانت وی به صداقت یا انصاف خود، فساد به وجود می‌آید. اثری که فساد بر اعتماد خواهد گذاشت، بسته به فرهنگ هر جامعه و تعریف آن از فساد در سطوح مختلف متفاوت است. (You, 2018:475) فساد می‌تواند ناقض عدالت رسمی^۱ باشد و اداره بی‌طرفانه و منسجم قوانین و نهادها را با چالش مواجه سازد. (Rawls, 1999:51)

1. formal justice

عدالت رسمی به سیستمی گفته می‌شود که عدالت مدنی و کیفری را از طریق سیستم رسمی نهادهای دادگستری مبتنی بر دولت، رویه‌ها و قوانین آن از جمله دادگاه‌ها، دادستان‌ها و پلیس دربرمی‌گیرد.

تعارض منافع حالتی پیش از وقوع فساد است. تعارض منافع حالتی از امکان سوءاستفاده از موقعیت فرد را بیان می‌کند. فساد به حالتی که سوءاستفاده رخ داده است، اشاره دارد؛ به همین دلیل گفته می‌شود که هر تعارض منافی منجر به فساد نمی‌شود؛ اما هر فساد ریشه در تعارض منافع دارد.

مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی، به دلیل اعمال قدرت و اتخاذ تصمیماتی که بر زندگی مردم و حتی بخش خصوصی اثرگذار است و همچنین با در اختیار داشتن بودجه عمومی و پرداخت هزینه پروژه‌های زیربنایی انرژی از محل آن، دارای اهمیت است. انتظار اعضای جامعه از بخش عمومی این است که بی‌طرفانه عمل کنند و از منافع عمومی در راستای اهداف شخصی خود استفاده نکنند.

این پژوهش مبتنی بر ادبیات حکمرانی تنظیم‌گرا، با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد بین‌المللی در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه تعارض منافع در حوزه انرژی با منطق حکمرانی تنظیم‌گرا حل و فصل می‌شود؟ پرسش‌های ذیل نیز در خلال بحث‌ها پاسخ داده می‌شوند: (۱) چه رویکردهایی نسبت به امر تنظیم‌گری وجود دارد؟ (۲) چه ابزارها و روش‌هایی در حکمرانی تنظیم‌گرا برای مدیریت تعارض منافع وجود دارد؟ (۳) چگونه نهادهای تنظیم‌گر می‌توانند تعارض منافع در حوزه انرژی را شناسایی و آن را مدیریت کنند.

بدون پرداختن به ریشه‌های حکمرانی ضعیفی که منجر به فساد فراگیر و سیستماتیک می‌شود، نمی‌توان به اهدافی همچون سلامت نظام اداری و رشد اقتصادی رسید (Green, 2024)؛ در همین راستا وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا خط‌مشی موقت در خصوص تعارض منافع مالی و سازمانی را به تصویب رساند. این خط‌مشی موقت، استانداردهایی را ایجاد می‌کند که طراحی، انجام و گزارش پروژه‌هایی که به طور کامل یا جزئی تحت حمایت مالی این وزارتخانه، از راه‌هایی مانند قرارداد همکاری، قرارداد سرمایه‌گذاری فناوری و... تأمین مالی شده‌اند، از سوگیری‌های ناشی از تضاد منافع مالی یا سازمانی فارغ باشد. (DOE, 2021:21)؛ برای مثال شرکت انرژی کوپیدنت^۱، در

1. Quidnet Energy Inc.

راستای استفاده از کمک‌های مالی این وزارتخانه، خط‌مشی و طرح تضاد منافع مذکور را برای شناسایی و کاهش هرگونه تعارض منافع مالی یا سازمانی بالقوه، واقعی یا ظاهری به تصویب رساند. در ادامه مبارزه با فساد در ایالات متحده آمریکا و خطرات آن برای امنیت ملی، توسعه و دموکراسی، قانون مبارزه با فساد جهانی به عنوان بخشی از قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۲۴ تصویب شد (Congress, 2023:945). در پیش‌نویس قانون مبارزه با فساد جهانی، وزارت امور خارجه ملزم شده است تا هر ساله کشورها را براساس معیارهایی مشخص به سه سطح در مبارزه با فساد تقسیم‌بندی کند و در برقراری ارتباط دیپلماتیک خود با هرکدام از کشورها اقدامات خاصی را انجام دهد و در راستای ترویج حکمرانی خوب در این کشورها بکوشد. (Congress, 2023)

۱. مبانی نظری

برای مدیریت و شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. تئوری بازی^۱، تئوری نمایندگی^۲، تئوری ذی‌نفعان^۳ و نظریه حکمرانی تنظیم‌گرا از جمله این نظریه‌ها هستند. در تئوری بازی، با توجه به قواعد حاکم بر رفتار و تصمیم‌گیری بازیگران و کنشگران متعدد در محیط‌های مختلف، امکان تحلیل و پیش‌بینی رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و اولویت‌ها در یک فضا فراهم می‌شود. از آنجاکه مهم‌ترین مؤلفه در نظریه بازی، تعامل یا تعارض منافع است، می‌توان از آن برای تحلیل تضاد منافع گروه‌های مختلف براساس تمایلات و اولویت‌ها استفاده کرد (هراسانی، ۱۳۹۹).

تئوری ذی‌نفعان و تئوری نمایندگی، برای ترسیم منافع ذی‌نفعان، کارکنان، مشتریان، عموم مردم و فروشندگان استفاده می‌شود. در تئوری ذی‌نفعان به این امر پرداخته می‌شود که چگونه نهادها، منافع ذی‌نفعان را در نظر می‌گیرند. در این نظریه عقیده بر آن است که نهادها از گروه‌های مختلف با منافع مختلف تشکیل شده است و در تصمیمات تجاری باید منافع این گروه‌ها را در نظر گرفت (C. Kelly, 2023 & Gilbert and Rasche, 2008).

۱. . Game Theory

۲. . Agency Theory

۳. . Stakeholder Theory

نظریه نمایندگی به مشکلات و راه‌حل‌های مرتبط با تفویض وظایف در شرایطی می‌پردازد که منافع متعارض طرفین درگیر (مبتنی بر رابطه قراردادی) و عدم تقارن اطلاعاتی آن‌ها وجود دارد (Linder & J. Foss, 2015). و در نهایت نظریه حکمرانی تنظیم‌گرا به عنوان چهارچوب جدیدی برای تحلیل و تبیین تعارض منافع است. در این مقاله مبتنی بر این نظریه به چگونگی مدیریت و حل موقعیت‌های تعارض منافع پرداخته می‌شود.

۲. مرور پیشینه پژوهش

پریمی، ذاکریان و عربیان در تحقیق خود مبتنی بر روش میدانی به نقش تعارض منافع به عنوان یکی از آسیب‌های سیاست‌های سلامت اداری پرداختند. پژوهش ایشان مبتنی بر این فرضیه است که قوانین مشخص در سیاست‌گذاری عمومی جهت حل تعارض منافع در نظام حقوقی ایران وجود ندارد. در ابتدا مبانی و مصادیق دو سطح فردی و نهادی تعارض منافع مشخص شد و مبتنی بر آن‌ها تعارض منافع در قوانین ایران و دیگر کشورها به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفت. دو لایحه «مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» و «لایحه شفافیت برای مبارزه با فساد» نیز تبیین شدند (پریمی، ذاکریان و عربیان: ۱۴۰۰).

انصاری در مقاله خود، مدیریت تعارض منافع را یکی از راه‌های پیشگیری از فساد معرفی می‌کند. در این تحقیق، از ۳ مؤلفه برای شناسایی تعارض منافع استفاده شده است: (۱) داشتن مسئولیت عمومی؛ (۲) وجود نفع شخصی برای کارگزار عمومی و (۳) تأثیر منفی آن بر خدمات عمومی. نویسنده ضمن تعریف تعارض منافع در این مقاله، به اثرات منفی آن بر سه امر حکومت قانون، سلامت اداری و اعتماد عمومی اشاره می‌کند. این دلایل ایجاب می‌کند که تدابیر مدیریت تعارض منافع بر اساس طبیعت و اهمیت وظایف و اختیارات کارکنان عمومی متفاوت باشد. برای مدیریت تعارض منافع، تدابیر پیشگیرانه و واکنشی مختلفی برای هر موقعیت در نظر گرفته می‌شود. از یک سو، باید بین مقامات و کارکنان عادی تمایز قائل شد و از سوی دیگر، دامنه‌ای از تدابیر پیشگیرانه

و واکنشی برای مدیریت تعارض منافع استفاده کرد؛ برخی از این تدابیر شامل ممنوعیت مطلق یا نسبی برخی فعالیت‌ها و اشتغال‌ها برای کارگزاران عمومی، اعلام وجود تعارض منافع و عدم صلاحیت به دلیل مواجهه با تعارض منافع است؛ همچنین، اعتباربخشی به تصمیمات و تعقیب اداری یا کیفری از مهم‌ترین تدابیر واکنشی برای مدیریت تعارض منافع است. (انصاری، ۲۰۲۲)

مقاله حاضر به ارتباط بین تعارض منافع با حکمرانی تنظیم‌گرا و نحوه حل و فصل آن پرداخته است. تحقیقات موجود، به صورت کاربردی و با روش‌های میدانی و پرسش‌نامه‌ای به شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع اشاره کردند. با وجود آنکه منابع مذکور، به بحث تعارض منافع و نحوه مدیریت آن پرداختند، اما از منظر حکمرانی تنظیم‌گرا و سازوکارهای آن، و ارتباط آن با تعارض منافع اشاره نکردند.

۳. حکمرانی تنظیم‌گرا و رویکردهای ناظر بر آن

شکل‌گیری ایده اولیه حکمرانی با کاهش دخالت دولت در بازار و تسریع توسعه اقتصادی کشورها همراه بود. در ابتدا تلقی آن بود که ظهور حکمرانی به معنای مقررات‌زدایی است؛ اما در ادامه این تلقی کم‌رنگ شد و حکمرانی تنظیم‌گرا در یک معنا به حکمرانی از طریق مقررات در نظر گرفته شد (Kjaer & Vetterlein: 2018: 3). با کوچک شدن دولت و تقلیل نقش آن به یک نهاد نظارتی و همچنین ظهور بازیگران غیردولتی در عرصه قدرت، وظیفه مقررگذاری و تنظیم‌گری توسط دولت از وضعیت فرماندهی - کنترلی^۱، سلسله‌مراتبی و متمرکز خارج شد و به صورت مشورتی و همکاری، چند مرکزی و در راستای تحقق سیاست‌های کلان در شبکه تبدیل شد.

«تنظیم‌گری» یکی از مفاهیم مهم در حکمرانی تنظیم‌گرا است. دو رویکرد کلی نسبت به مفهوم تنظیم‌گری وجود دارد و متناسب با هر کدام فرایند حکمرانی متفاوت می‌شود. از نظر برخی با تلقی سنتی، تنظیم مقررات فقط در دست دولت است و توسط آن وضع و اجرا می‌شود. این رویکرد بر دولتمحوری استوار است. از نظر برخی دیگر با رویکردی

1. Command-and-Control

جدید، تنظیم مقررات توسط بازیگران اجتماعی انجام می‌شود و سایر بازیگران از جمله دولت‌ها را تحت نظر دارند. (Levi-Faur, 2012:3)

با رشد فعالیت‌های تنظیم‌گری از اواخر قرن ۱۹ در ایالات متحده آمریکا، اولین نمودهای حکمرانی تنظیم‌گرا مبتنی بر رویکرد منافع عمومی بروز یافت. در این رویکرد، دولت در راستای منافع عمومی و برای مقابله با نواقص بازار عمل می‌کند؛ همچنین دولت با تأکید بر قابل اعتماد بودن تنظیم‌گران، به کارآمدی خود اذعان دارد؛ هر چند انتقاداتی به شرح زیر به این رویکرد وارد است:

۱. تضادهای گروه‌های ذی‌نفع: این رویکرد به اندازه‌ای که باید به درگیری‌ها و تعارض‌های بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع توجه نمی‌کند. در واقع، تنظیم مقررات غالباً نتیجه تعاملات و درگیری‌های بین گروه‌های مختلف با منافع متضاد است. ۲. نفوذ اقتصادی قدرتمندان: رویکرد منفعت عمومی میزان نفوذ منافع اقتصادی قدرتمندان در ایجاد و اجرای رژیم‌های نظارتی و تنظیم‌گری را کم‌رنگ نشان می‌دهد؛ درحالی‌که تنظیم مقررات ممکن است بیشتر به نفع گروه‌های اقتصادی قدرتمند باشد تا به نفع جامعه.

۳. عدم بی‌طرفی و کارایی تنظیم‌کنندگان: ناظران مقررات، معتقدند که تنظیم‌کنندگان همیشه بی‌طرف و کارآمد نیستند؛ درحالی‌که رویکرد منافع عمومی انتظار دارد تنظیم‌کنندگان در راستای منفعت عمومی عمل کنند، در واقعیت ممکن است این‌طور نباشد. برخی از تنظیم‌کنندگان ممکن است به جای عمل به نفع عمومی، به دنبال منافع شخصی خود باشند.

۴. فساد و سوءاستفاده: تنظیم‌کنندگان ممکن است به دنبال جلب منافع خصوصی و حفظ موقعیت و شغل خود باشند. این فساد و سوءاستفاده باعث کاهش اعتماد عمومی به فرایند تنظیم مقررات و کارایی آن می‌شود (Baldwin et al., 1998: 9-10).

در مقابل رویکرد منفعت عمومی، دیدگاه جدیدی نسبت به امر تنظیم‌گری مبتنی بر مفاهیم اقتصادی و نظریه‌های انتخاب عمومی و ایده منافع خصوصی به وجود آمد.

مطابق با این نظریه‌ها، تنظیم‌گری توسط احزاب تحت نظارت مقررات، انجام می‌شود و به جای آنکه مقررات در خدمت منافع عمومی باشند، به منافع این احزاب خدمت می‌کند. در این رویکرد تمرکز بر فرد و اهداف و منافع شخصی (اعم از حفظ شغل، کسب ثروت و قدرت و...) است؛ در نتیجه این ایده، تنظیم‌گران در راستای منافع خود در امر مقررات‌گذاری شریک می‌شوند و فرایندهای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. (Baldwin et al., 1998:10)

به نظریه اقتصادی تنظیم‌گری نیز انتقاداتی وارد شد. به طور مطلق نمی‌توان موضع‌گیری یک حزب را در یک موضوع سیاسی یا مقررات‌گذاری، جانب‌دارانه و منفعت‌طلبانه دانست؛ چه بسا در برخی زمینه‌ها منفعت عمومی و اهداف جامعه را اولویت خویش بدانند؛ همچنین ممکن است در جریان تنظیم مقررات، در مواجهه با دیگر ذی‌نفعان، نتوانند منفعت خود را پی بگیرند (Baldwin et al., 1998:11)؛ در همین راستا است که هانچر و موران از مفهومی به عنوان «فضای تنظیم‌گری»^۱ استفاده می‌کنند. این مفهوم به محدودیت‌ها و پتانسیل قوانین به عنوان یکی ابزارهای حکمرانی اشاره دارد. مفهوم فضای تنظیم‌گری نه تنها به عواملی که در تنظیم مقررات دخیل هستند، بلکه بر عوامل ساختاری که ظهور و توسعه شبکه‌ها را تسهیل می‌کنند و به نهادینه‌سازی پیوندها کمک می‌کنند، متمرکز می‌شود (Hancher & Moran, 1998:166).

اشکالات نظریه‌های قبل را مبتنی بر مفهوم فضای تنظیم‌گری می‌توان حل کرد. در فضای تنظیم‌گری، منابع مرتبط با قدرت تنظیم‌گری هم از قدرت دولت ناشی می‌شود، هم از سه عامل ثروت، اطلاعات و ظرفیت‌های سازمانی که در نهادهای دولتی و غیردولتی وجود دارد. در این فضا، سلسله‌مراتب کنار می‌رود. هریک از تنظیم‌کننده‌ها چه دولتی و چه غیردولتی بسته به منابعی که دارند، درجات متفاوتی از نقش‌آفرینی را تجربه می‌کنند؛ با این وجود محیط فرهنگی، فرهنگ حقوقی و سیاسی هر جامعه و ساختار سازماندهی هر کشور در برخورد با موضوعات مختلف، بر نحوه ساماندهی فضای تنظیمی اثرگذار است (Scott, 2001).

۴. ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرا

استفاده از مقررات به عنوان یک ابزار سیاسی توسط دولت‌ها جهت مدیریت جامعه و مشکلات پیچیده آن ابزاری کلیدی است؛ اما مقررگذاری‌های مکرر بدون در نظر گرفتن بردار تأثیر آن، خود می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. برای اینکه اجرای یک مقرر با شکست مواجه نشود، باید یک گام عقب‌تر از اجرای قانون به ارزیابی تأثیر مقرر پرداخت. (Peters, 2012:3)

۴-۱. ارزیابی تأثیر تنظیم مقررات

ارزیابی تأثیر تنظیم مقررات^۱ از جمله ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرا است که یک فرایند منطقی برای سیاست‌گذاری عمومی ترسیم می‌کند. این ابزار، شرایطی را برای تجزیه و تحلیل اثرات قوانین بر اقتصاد، جامعه و... فراهم می‌کند؛ همچنین از این طریق سیاست‌گذاران را به این نتیجه می‌رساند که آیا اجرای یک قانون خاص، بهترین راه‌حل برای رفع مشکلات عمومی است یا خیر. هرچند اجرای آر. آی. ای با موانعی همچون ظرفیت‌های نهادی ضعیف، وجود تورم مقررات یا چهارچوب نظارتی ضعیف مواجه است، اما مزایایی هم دارد. (OECD, 2018:4)

۱. کارآمدی: این ابزار به تنظیم‌گران امکان بررسی گزینه‌های مختلف و کارآمدی آن‌ها را می‌دهد. تحلیل هزینه - فایده^۲ به عنوان بخشی از فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شود. مبتنی بر این تحلیل، منفعت هر یک از گزینه‌ها و کارآمدی آن‌ها مشخص می‌شود.
۲. مسئولیت‌پذیری: آر. آی. ای، ارزیابی مداوم مقررات در طول فرایند قانون‌گذاری از ابتدا تا زمان حصول نتایج را تجویز می‌کند؛ در این صورت، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران، در قبال سیاست و قوانین پیشنهادی خود مسئول و پاسخگو قلمداد می‌شوند؛ همچنین تنظیم‌گران با ارزیابی تأثیر مقررات، به بررسی و تحلیل انسجام قوانین و سیاست‌های پیشنهادی با اهداف میان‌مدت و بلندمدت می‌پردازند.

1. Regulatory Impact Assessment (RIA)

2. The cost-benefit analysis

شفافیت: کارآمدی و مسئولیت‌پذیری زمانی که به صورت شفاف انجام گیرند، افزایش می‌یابد؛ بر این اساس تنظیم‌گران باید اقدامات خود در مسیر پیشنهادی و دلایل انتخاب گزینه‌ای که کارآمدتر است را، بیان کنند؛ همچنین نتایج ارزیابی تأثیر تنظیم مقررات را نیز در اختیار عموم بگذارند (OECD, 2018:4)؛ همچنین شفافیت به ذی‌نفعان مختلف اجازه می‌دهد تا بر عملکرد و تصمیمات مقامات عمومی و دولتی نظارت داشته باشند و البته بر قدرت اختیاری آن‌ها تأثیر بگذارند. (OECD, 2005:48)

حکمرانی تنظیم‌گرا برای بهبود کیفیت و توسعه صنایع و قوانین مربوط به آن، از چهار ابزار دیگر نیز استفاده می‌کند. این چهار ابزار عبارت‌اند از: مقررات مبتنی بر اصول^۱، سندباکس‌ها^۲، تست پد^۳ها و تنظیم مقررات تطبیقی^۴ (Donelan, 2022).

۲-۴. تنظیم مقررات مبتنی بر اصول

در رویکرد مبتنی بر اصول، رگولاتور، اصول یا دستورالعمل‌های اساسی و حتی قانون را تعیین می‌کند و جزئیات دقیق اجرا و اقدامات کنترلی جهت انطباق با قانون را به افراد یا شرکت‌ها واگذار می‌کند. قانون است که رویه‌ها و اقدامات را مشخص می‌کند و تفسیر از آن را باز می‌گذارد. اجرای موفقیت‌آمیز این روش، نیازمند یک فرایند منصفانه همراه با مذاکره باز با رگولاتور است (Donelan, 2022). این رویکرد به دلیل انعطاف و تسهیل نوآوری در تنظیم مقررات در محیطی که دائماً در حال تغییر است، سازگاری بیشتری برای رگولاتورها و ذی‌نفعان ایجاد می‌کند. (OECD, 2010)

۳-۴. سندباکس

بسیاری از رگولاتورها، قوانین را با ارزیابی در فضایی تحت عنوان سندباکس اصلاح یا تصویب می‌کنند. طراحی آزمایش‌های نظارتی از نظر هدف، دامنه، مدت زمان و بازیگران درگیر متفاوت است. سندباکس‌های رگولاتوری، طرح‌هایی هستند که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد نوآوری‌ها را در یک محیط واقعی کنترل‌شده و تحت نظارت یک مرجع مسئول

1. principles- based regulation

2. Sandboxes: (جعبه شنی)

3. testbeds

4. adaptive regulations

آزمایش کنند. این طرح‌ها معمولاً به صورت مورد به مورد سازماندهی می‌شوند و شامل تعلیق موقت برخی قوانین مرتبط و تضمین‌هایی برای حفظ اهداف اصلی تنظیم‌گری، مانند ایمنی و حفاظت از مصرف‌کنندگان هستند. جدول ۱ روش‌های اجرای سند باکس رگولاتوری را نشان می‌دهد. (Gangale et al, 2023:6)

با اجرای سند باکس ضمن تشویق به مشارکت شرکت‌ها و تابعان موجود در حوزه انرژی، در یک فضای محافظت‌شده، زمینه آزمایش‌های نظارتی و توسعه مقررات و فعالیت‌های شرکت‌ها فراهم می‌شود؛ برای مثال سند باکس‌ها به واسطه ماهیت انعطاف‌پذیر خود، شرایط ادغام منابع انرژی تجدیدپذیر و سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی به شبکه برق سنتی را فراهم می‌کند؛ همچنین به دلیل تحت کنترل بودن فضای سند باکس، از حقوق و منافع مصرف‌کنندگان در دسترسی شفاف به اطلاعات حفاظت می‌شود (Aydın & Yardımcı, 2024).

سند باکس‌ها به طور مشابه طراحی نمی‌شوند. طراحی هر سند باکس برای هدف و جامعه مخاطب خاصی صورت می‌گیرد و دارای محدودیت‌ها و قوانین و ضوابط مخصوصی است (Jeník & Duff, 2020)؛ اما باید دانست که اعمال سند باکس برای هر موقعیتی مناسب نیست؛ چراکه نیازمند صرف وقت زیاد و منابع مالی کافی برای راه‌اندازی و اجرا است؛ بنابراین نهادهای تنظیم‌گر باید بنا به ضرورت و با در نظر داشتن ابزارهای جایگزین همچون «آزمایش و یادگیری» و داشتن شرایط اجرای سند باکس، آن را انجام دهند؛ برای مثال باید دید چهارچوب قانونی و اجرایی، نیروی انسانی متخصص برای اجرا، رغبت به همکاری و وجود متقاضی به گونه‌ای است که در حوزه انرژی می‌توان سند باکس را اجرا کرد یا خیر؛ همچنین آیا ظرفیت نظارتی و ابتکارات جایگزین مناسب رسمی یا غیررسمی جهت اجرای آن وجود دارد؟ (The World Bank, 2025)

جدول ۱: روش‌های اجرای سندباکس رگولاتوری - منبع: (Gangale et al, 2023:6)

عنوان روش فارسی	عنوان انگلیسی	توضیح
رویکرد از پایین به بالا	Bottom-up Approach	شناسایی مشکلات و موانع تنظیمی در مسیر نوآوری‌ها توسط نوآوران و اطلاع به مرجع تنظیم‌گر ۲- درخواست اجرای آزمایش توسط نوآوران اعم از افراد حقوقی یا حقیقی ۳- ارزیابی و تأیید ضوابط آزمایش توسط مرجع تنظیم‌گر ۴- اجرای آزمایش و جمع‌آوری اطلاعات، تصمیم‌گیری و اصلاح قوانین توسط مرجع تنظیم‌گر براساس نتایج
رویکرد از بالا به پایین	Top-down Approach	مرجع تنظیم‌گر قوانین یا مقرراتی که نیاز به آزمایش دارند را شناسایی می‌کند. فراخوانی برای حضور سازمان‌ها و شرکت‌های مربوطه صادر می‌شود. بهترین گزینه‌ها از بین متقاضیان انتخاب می‌شوند. شرایط و ضوابط توسط مرجع تعیین و ابلاغ می‌شود. آزمایش اجرا و داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. اصلاحات قوانین براساس نتایج انجام خواهد شد.

بعد از ارزیابی نتایج و ارائه خروجی از سندباکس، می‌توان سناریوهای متنوع براساس متغیرهای مختلف در نظر گرفت و آسیب‌های ناشی از فقدان قوانین مناسب را با اصلاح قوانین فعلی یا تصویب قوانین جدید در محیط واقعی، به حداقل رساند. می‌توان گفت سندباکس‌های رگولاتوری، چهارچوب‌هایی را برای تسهیل تصمیم‌گیری آگاهانه برای نهادهای عمومی و خصوصی ارائه می‌کند و ابزاری مؤثر برای جلوگیری از خدشه وارد شدن به اعتماد بین سیاست‌گذاران و شرکت‌های حوزه انرژی تلقی می‌شود (Aydın & Yardımcı, 2024)؛ اما چالش‌های پیش روی این ابزار، به عدم همکاری نهادهای دشواری هماهنگی بین نهادهای دیگر برمی‌گردد.

۴-۴. تست بدز^۱ و لیوینگ‌لبرز^۲

این دو، روش‌های جدیدی برای تنظیم مقررات هستند که برای تقویت نوآوری در مناطق جغرافیایی و حوزه‌های فنی مختلف به کار می‌روند. این روش‌ها از چالش‌های بزرگ

1. Test Bed: (بستر آزمایش)

2. Living Labs: (آزمایشگاه‌های زنده)

اجتماعی و مباحث سیاست عمومی الهام گرفته‌اند و به ارائه پاسخ‌های سیاستی مناسب برای چالش‌های جهانی می‌پردازند. رویکردی تجربی و مشترک به سیاست نوآوری دارند که هدفشان، آزمایش، نمایش و پیشبرد ترتیبات فنی و قانونی جدید و نیز شیوه‌های حکمرانی در محیط‌های مدل‌سازی شده تحت شرایط واقعی است (Done- lan, 2022).

لیونینگ لیز محیط‌هایی هستند که در آن‌ها ذی‌نفعان مختلف شامل بهره‌برداران، کسب‌وکارها، ارائه‌دهندگان فناوری و کسب‌وکارهای نوپا با یکدیگر همکاری می‌کنند تا از طریق رویکرد مشارکتی، به خلق ایده‌ها و نوآوری‌ها بپردازند و بر اساس تجربیات واقعی، ارزش‌های پایدار برای تمامی ذی‌نفعان ایجاد کنند (دانشگاه خاتم، ۱۴۰۳). برای نتیجه بخش بودن این ابزار به یک رویکرد منسجم و هماهنگ بین ذی‌نفعان و سیاست‌های همسو نیاز است تا بتوان از نتایج به دست آمده استفاده کرد.

۴-۵. مقررات تطبیقی برنامه‌ریزی شده

اصطلاح تنظیم تطبیقی برنامه‌ریزی شده به طراحی آگاهانه و پیش‌بینی شده نهادها و فرایندهایی اشاره دارد که هدف آن‌ها بازبینی و به‌روزرسانی سیاست‌ها در راستای دانش علمی در حال تکامل و تغییرات تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این رویکرد به توانایی سیاست‌ها برای پاسخ به رویدادها و اطلاعات جدید و همچنین برنامه‌ای آگاهانه برای جمع‌آوری داده‌ها و مرور مکرر اشاره دارد. این اصطلاح در دو مورد استفاده می‌شود: (۱) از ابتدای طراحی سیاست، تعهد به ارزیابی دوره‌ای و بازنگری محتمل سیاست وجود دارد و (۲) از ابتدای طراحی سیاست، تلاشی نظام‌مند برای نظارت و ترکیب اطلاعات جدید به منظور استفاده در ارزیابی‌های مجدد وجود دارد. (Donelan, 2022)

این ابزارها به صورت هم‌زمان نیز قابلیت استفاده دارند؛ برای مثال قانون‌گذار یک اصل کلی به عنوان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تعیین می‌کند؛ در این راستا یک تست بد طراحی می‌شود که یک شرکت در مقیاسی کوچک، فناوری‌های جدید مرتبط با یک

نوع انرژی تجدیدپذیر را آزمایش کند؛ در همین راستا سندباکس رگولاتوری به شرکت دیگر یا همان شرکت اجازه می‌دهد تا ایده و مدل پیشنهادی جدید خود برای تجارت انرژی مذکور را پیاده کند. در نهایت مبتنی بر نتایج حاصل از تست بد و سندباکس رگولاتوری، قوانین و مقررات در زمینه اصل کلی به‌روزرسانی می‌شوند.

۵. حکمرانی تنظیم‌گرا و مدیریت حل تعارض

تعارض منافع در تمام سطوح حکمرانی از سطح محلی گرفته تا سطح جهانی و در فازهای عمومی، مشترک و مالی ممکن است رخ دهد. لازم است در ابتدا تعریفی از تعارض منافع ارائه و جلوه‌های ظهور آن مشخص شود تا سپس در منطق حکمرانی تنظیم‌گرا به تحلیل آن پرداخت. تعارض منافع به حالتی گفته می‌شود که وظایف یا مسئولیت‌های فرد به‌عنوان یک کارمند در نهادهای عمومی، با منافع دیگری که ممکن است خارج از محیط کار وجود داشته باشد، در تعارض باشد. خطراتی که در پی وقوع تعارض منافع رخ می‌دهد، بسته به ماهیت و نوع آن و محیطی که در آن ایجاد شده است، متغیر است (Office of the Auditor-General, 2020:10).

از نظر او. ای. سی. دی^۱ نیز تعارض منافع شامل یک تعارض بین وظایف عمومی و منافع خصوصی یک مقام دولتی است که در آن منافع شخصی مقام رسمی می‌تواند بر انجام وظایف رسمی و مسئولیت‌ها تأثیر نامطلوبی بگذارد (OECD, 2005:13).

با توجه به تعاریف پیش‌گفته، سه عنصر در تعارض منافع وجود دارد: (۱) مقام عمومی رسمی (۲) شهروند خصوصی (۳) منفعت شخصی. منظور آنکه مقام رسمی در موقعیتی قرار می‌گیرد که تعارضی بین وظایفش به‌عنوان مقام رسمی و منافع شخصی وی به‌عنوان یک شخص خصوصی رخ دهد؛ به‌طور کلی سه نوع تعارض منافع قابل‌بیان است. تعارض منافع ظاهری^۲، در موقعیتی پیش می‌آید که احتمال یک تعارض منافع غیرقابل‌قبول وجود داشته باشد. در این حالت ممکن است تعارض منافع وجود داشته

1. Organisation for Economic Co-Operation and Development (OECD)

2. Apparent Conflict of Interest

باشد یا نداشته باشد؛ اما به هر روی صداقت مقام عمومی^۱ مورد تردید است. در مقابل، تعارض منافع بالقوه^۲ نیز مطرح است. در این حالت، احتمال و بیم آن می‌رود که مقام مذکور دارای منافع شخصی، در آینده دچار تعارض شود. در این حالت یک انسان متعارف می‌تواند به این نتیجه برسد که منافع شخصی وی بر وظایف وی اثر سوء خواهد گذاشت. (OECD, 2005: 7-8)

مقامات رسمی و عمومی نمادی از اعتمادسازی به ارکان دولت محسوب می‌شوند. در حضور اعتماد می‌توان به صداقت و درست‌کاری^۳ یک مقام رسمی اذعان کرد. اگر مقام رسمی از جایگاه خود سوءاستفاده کند، منجر به نقض اعتماد^۴ (شاکله اصلی رابطه شهروندان خصوصی با دولت) می‌شود. منظور از مقام عمومی موارد ذیل است: مستخدمان دولت^۵، کارمندان دولت^۶، کارکنان دولتی^۷، مقامات منتخب^۸ یا هر مقام دیگری که از طرف دولت یا حکومت یا یک نهاد حکومتی، وظایف عمومی را به واسطه قدرت قانونی انجام می‌دهد. این اعمال قدرت قانونی تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق و منافع شهروندان دارد؛ به همین دلیل شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع واقعی که به اعتماد عمومی خدشه وارد می‌کنند، امری حیاتی است. (OECD, 2005: 15-16)

در سازوکارهای حکمرانی تنظیم‌گرا، باید رویه‌های شفاف در طراحی قوانین به کار گرفته شود. مقررگذاری‌ها جهت شفافیت در مورد تعارض منافع به چند طریق صورت می‌گیرد؛ اولین مورد، مقررگذاری در خصوص ایجاد رژیم افشا^۹ است؛ اما قبل از آن باید الزامات افشا مانند اینکه اطلاعات به چه کسانی، طی چه مدتی و برای چه هدفی تحویل داده شود، به دقت مورد بررسی قرار گیرند. در این رژیم مقامات عمومی هم باید دارایی و

1. Public Official

2. Potential Conflict of Interest

3. Integrity

4. Breach of Trust

5. Public Servants

6. Civil Servants

7. Public Employees

8. Elected Officials

9. Disclosure Regime

درآمد و هم منافع دیگر خود (منافعی که بر تصمیم فرد تأثیرگذار است) را اعلام نمایند؛ علاوه بر آن، همسران و فرزندان آنان نیز باید این عمل را انجام دهند؛ برای مثال اعضای خانواده یک مقام دولتی، سهام‌دار یک شرکت خصوصی که مراد تجاری با دولت دارند، هستند. افشای این مورد ضروری است. (OECD, 2005)

دومین مورد، استنفاف از مسئولیت^۱ و محدودیت^۲ است. باید دانست که صرف افشای منافع، موقعیت تعارض را خود به خود حل نمی‌کند؛ بنابراین سازوکار دیگری نیاز است تا علاوه بر ایجاد محدودیت، مدیریت حل و فصل این موقعیت‌ها را نیز پوشش دهد. این اقدامات عبارت‌اند از: کنارگذاشتن مقام دولتی از دخالت در فرایند تصمیم‌گیری تحت تأثیر؛ محدود کردن دسترسی مقامات تحت تأثیر به اطلاعات خاص؛ انتقال مقام دولتی دارای نفع شخصی به وظیفه غیرمتعارض؛ و در نهایت استعفای مقام دولتی در صورتی که از طریق دیگر تعارض منافع حل نشود. (OECD, 2003) در موقعیت استعفا باید سیاست تعارض منافع دارای یک رویه مشخص برای شرایط و نحوه استعفا داشته باشد.

سومین مورد، فرایندهای غربالگری است. طراحی فرایندی به عنوان بخشی از گزینش که موقعیت‌های تعارض منافع (بالقوه) اشخاص طی آن مشخص شود. بعد از شناسایی، باید راهبردهای مناسب برای حل یا پیشگیری از تعارض اتخاذ شوند. در برخی موارد از اشخاص، اظهارنامه و مجوزهایی برای شناسایی تعارض منافع دریافت شود. در چهارمین مورد یعنی ارزیابی دوره‌ای سیستم، رویه‌های شناسایی تعارض منافع و سازگاری آن‌ها با وضعیت فعلی به روزرسانی شوند.

در نهایت، ترتیبات حل تعارض باید در اسناد رسمی انعکاس یابند. تعارض‌های شناسایی شده باید ثبت شوند. نحوه حل و مدیریت آن نیز باید اعلام شوند (OECD, 2003).

۶. نقش نهادهای تنظیم‌گر انرژی در مدیریت تعارض منافع

تنظیم‌گرها ممکن است به اشکال نهادی مختلفی ظاهر شوند. آن‌ها می‌توانند یک واحد درون یک وزارتخانه یا یک نهاد مستقل با اساس‌نامه خاص خود، هیئت مدیره، کارکنان

1. Recusal

2. Restriction

و مدیریت اجرایی باشند. در برخی موارد، یک واحد تنظیم‌گر درون یک سازمان خدماتی مستقل بزرگ قرار می‌گیرد. (OECD, 2014)

برای واضح‌تر شدن موضوع به بررسی رژیم تنظیم‌گری در برخی کشورها می‌پردازیم. در کشورهای منطقه مدیترانه همچون مصر، ایتالیا، فرانسه، ترکیه از الگوی تنظیم‌گری مشابهی استفاده می‌شود. در این کشورها از نهادی به نام مرجع تنظیم‌گری ملی^۱ استفاده می‌شود. وظیفه نهاد مذکور ایجاد چهارچوب تنظیم‌گری مبتنی بر شفافیت است. این چهارچوب برای حفظ عملکرد مناسب سیستم‌های برق و گاز از طریق قوانین فنی، ایمنی و کیفی عمل می‌کند؛ البته یکی از چالش‌های اساسی پیش روی این مرجع، مدیریت تعارض منافع است (INS WG, 2023). شفافیت و تعارض منافع با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند. در برخی موارد، وجود شفافیت، منجر به شناسایی موقعیت تعارض منافع واقعی می‌شود.

در شکل ۱، نحوه مواجهه قوانین با مسئله تعارض منافع در حوزه انرژی (گاز و برق) ترسیم می‌شود. این شکل رایجی است که بین کشورهای مصر، ایتالیا، فرانسه، ترکیه و دیگر کشورهای منطقه مدیترانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. دولت و مرجع تنظیم‌گری ملی، هر دو، برای شناسایی و حل موقعیت‌های تعارض منافع در خود می‌کوشند؛ اما باید در نظر داشت که بسته به ساختار حوزه انرژی، قوانین مربوط به تعارض منافع و نحوه تعریف مرجع تنظیم‌گر، شکل مدل‌ها متفاوت می‌شود. در ساختار انرژی کشورهای مذکور از دو اپراتور یاد می‌شود. اپراتورهای سیستم انتقال^۲ و اپراتورهای سیستم توزیع^۳ در کنار مرجع تنظیم‌گری ملی، به‌طور خاص به تنظیم‌گری حوزه انرژی اختصاص دارند.

دامنه تنظیم مقررات در خصوص تعارض منافع می‌تواند هم کارگزاران عمومی را شامل شود، هم بخش خصوصی. انتخاب دامنه توسط قانون‌گذار انجام می‌شود. ممکن است قانون شامل سیاست‌مداران یا مقامات حرفه‌ای و کارمندان دولت شود یا فراتر از آن بخش خصوصی را نیز دربرگیرد؛ همچنین ممکن است به تجویز قانون، کد رفتاری

1. The National Regulatory Authority (NRA)

2. Transmission System Operators

3. Distribution System Operators

متفاوتی در زمینه تعارض منافع متناسب با شرایط هر دستگاه تهیه و تنظیم شود. (Mattarella, 2014:32)

هر یک از کشورهای منطقه مدیترانه، تعارض منافع را متناسب با هر حوزه (انرژی) و تنظیم‌گران آن تعریف می‌کنند؛ برای مثال در ترکیه با وجود آنکه در قانون تعریف خاصی درباره تعارض منافع وجود ندارد، اما قوانین دیگر در سطح سازمانی و در ارتباط با اقدامات مقامات رسمی، به این امر پرداختند. نهاد تنظیم‌گر ملی در ترکیه، با عنوان «مرجع تنظیم مقررات بازار انرژی»^۱ فعالیت می‌کند. این نهاد دارای استقلال نهادی و مالی از دولت است. این نهاد دارای اختیاراتی جهت نظارت بر بازیگران حوزه انرژی شامل حل و فصل اختلافات بین بازیگران بازار، یا بازار و مصرف‌کننده، نظارت و مجازات بازیگران این حوزه است؛ البته محدودیت‌هایی نیز بر کارکنان این نهاد اعمال می‌شود. اعضای هیئت مدیره و اعضای خانواده آن‌ها از کار در بخش‌های تنظیم‌گری بخش خصوصی و یا دولتی در طی دو سال پس از ترک شغل منع شده‌اند. (INS WG, 2023:42)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Energy Market Regulatory Authority (EMRA)

شکل ۱: طرح رایج قوانین مقابله با تعارض منافع در بخش انرژی - منبع: (INS WG, 2023)



در ایتالیا، تعارض منافع در حالتی رخ می‌دهد که موانعی برای رقابت در بازار به دلیل قدرت یک شرکت یکپارچه (که هم در فعالیت‌های تنظیم شده و هم در فعالیت‌های بازاری فعال است) ایجاد شود؛ به همین دلیل مرجع تنظیم مقررات انرژی ایتالیا به عنوان نهاد تنظیم‌گر ملی دست به اعمال تدابیری همچون تفکیک عملکردی و جداسازی زد؛ همچنین در رابطه با تعارض منافع می‌تواند که ممکن است در خود این نهاد ملی رخ دهد، برای جلوگیری از تعارض منافع اعضای هیئت مدیره مقرر شده است که در صورت سلب از مقام، نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم هیچ‌گونه فعالیت حرفه‌ای یا مشاوره‌ای انجام دهند، مدیر یا کارمند نهادهای دولتی یا خصوصی باشند؛ از جمله انتخاب شدن یا نمایندگی از احزاب سیاسی، یا حفظ منافع، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم در شرکت‌های فعال در بخشی که خود مرجع مسئول آن است یا به هیچ وجه دارای مناصب

دولتی دیگری باشند؛ همچنین این نهاد تنظیم‌گر باید برنامه‌ای سه‌ساله برای جلوگیری از فساد و تقویت شفافیت تدوین کند. (INS WG, 2023: 26)

مرجع تنظیم مقررات انرژی ایتالیا یا پروژه‌های آزمایشی^۱ را انجام می‌دهد یا آغازگر آزمایش‌های نظارتی است که شامل تغییرات موقتی در مقررات ملی است و به هر شرکت‌کننده دارای مجوز بازار اجازه می‌دهد از این تغییرات استفاده کند؛ همچنین با روش سندباکس رگولاتوری یک چهارچوب آزمایشی قانونی به نام پروژه انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به تقاضا وجود دارد که اجازه آزمایش انعطاف‌پذیری و تحقق تقاضا در بازار خدمات ثانویه و مشارکت ارائه‌دهندگان با ظرفیت ۱ مگاوات را می‌دهد. (Aydın &

(Yardımcı, 2024

در سطح اپراتورها، یکی از مصادیق تعارض منافع، تعارض منافع در صدور مجوز است. صادرکننده مجوزها، در موقعیت صدور مجوز، دارای منفعت شخصی است. در بازار گاز طبیعی، طبق قانون، افرادی که در یک بخش خاص از بازار گاز طبیعی فعالیت می‌کنند، مجاز نیستند که سهم‌هایی در همان بخش از بازار خریداری کنند. (INS WG, 2023: 55) از دیگر راه‌های حل تعارض منافع، این است که مقام صادرکننده مجوز، منافع مالی یا شخصی خود در شرکتی را که جهت اخذ مجوز در حال مذاکره است، افشا کند. (LBNL, 2024)

۷. قوانین مرتبط با مدیریت تعارض منافع در حوزه انرژی ایران

در راستای مبارزه با فساد یا مدیریت تعارض منافع، قوانین عادی و دستورالعمل یا بخش‌نامه‌های درون‌سازمانی برای برخی تنظیم‌گران حوزه انرژی، تصویب شده‌اند. این قوانین و مقررات به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله فساد یا تعارض منافع پرداخته‌اند. در ایران نهادهای تنظیم مقررات انرژی در بخش‌های مختلف عبارت‌اند از: شورای رقابت و هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار که به عنوان تنظیم‌گران فرابخشی عمل می‌کنند. در بخش نفت و گاز می‌توان به وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی

1. pilot projects

2. licensing procedure

ایران و در بخش برق، وزارت نیرو، هیئت تنظیم مقررات بازار برق ایران، شرکت مدیریت شبکه برق ایران و شرکت توانیر اشاره کرد. (رستمی و مقیمی، ۱۳۹۶: ۲۳۷)

قانون منع تصدی بیش از یک شغل، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله فساد و قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان، ماده ۹۱ قانون خدمات مدیریت کشوری، قانون شفافیت قوای سه‌گانه، دستگاه‌های اجرایی و سایر نهادها مصوب ۱۴۰۳، در جهت جلوگیری از یا برخورد با فساد به تصویب رسیدند و به‌طور مستقیم به مسئله تعارض منافع توجه نداشته‌اند.

قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله فساد در سال ۱۳۹۰ از جمله این قوانین است. در این قانون تمرکز اصلی بر مسئله فساد است. تعریف خاصی از فساد ارائه شده است و همه اشکال فساد اعم از فردی، جمعی و سازمانی را پوشش می‌دهد. متناسب با معیارهایی همچون شکل فساد، مقام فاسد، نوع فعل یا ترک فعل صورت گرفته، مجازات و محرومیت‌ها در سه سطح اداری، مدنی و کیفری تبیین می‌شوند؛ اما استثنائاتی طبق تبصره ۲ ماده ۲۵ به این قانون وارد شده است. برخی دستگاه‌ها که در قانون اساسی دارای حکم خاص هستند، از شمول این قانون خارج‌اند. با استثنا شدن موارد مذکور و عدم مدیریت آن، پدیده درب گردان محتمل است؛ چراکه ممکن است یک مقام رسمی در زمان مسئولیت، برای این‌که در پایان دوره مسئولیت خود بتواند در نهاد مذکور، موقعیتی به دست آورد، با شرکت یا نهادهای دولتی دیگر رفتار مساعد داشته باشد.

از دیگر قوانین می‌توان به قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان در سال ۱۳۹۵ و اصلاحیه سال ۱۳۹۷ بر این قانون اشاره کرد. بازنشستگان در سمت‌های موضوع بند الف، ب و ج ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌توانند مشغول به کار شوند. استثنائاتی که به این قوانین وارد شده، منافی اصل عدم تبعیض در مقابله با فساد است. قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۴ و آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸: طبق قانون، مقامات تعیین شده در اصل یک صد و چهل

و دوم (۱۴۲) قانون اساسی و همچنین مقامات موضوع ماده ۳ این قانون، باید فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان خود را (با توجه به آیین نامه اجرایی) به رئیس قوه قضاییه اعلام کنند. این قانون از روش افشا برای مدیریت تعارض منافع، بهره می برد.

طبق بند ۲ ماده ۶۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی «اعضاء شورای رقابت، هیأت تجدیدنظر و همچنین کارکنان مرکز ملی رقابت و هر شخصی که قبلاً در این سمت‌ها مشغول به کار بوده است، نباید اطلاعات داخلی بنگاه‌ها، شرکت‌ها یا اشخاصی را که در جریان انجام وظیفه یا به این مناسبت از آن‌ها اطلاع یافته‌اند، فاش کنند یا به طور مخفیانه از آن به نفع خود یا اشخاص دیگر بهره بگیرند». در این ماده به طور ضمنی به یکی از موقعیت‌های تعارض منافع اشاره شده است.

هدف از قانون فوق، واگذاری صنایع پایین دستی در حوزه انرژی به بخش خصوصی و شکستن انحصار دولتی است؛ اما با وجود عواملی همچون انحصار طبیعی در بخش انرژی، فقدان رویکرد سیستمی و مقررات‌گذاری یکپارچه و عدم توجه به تجدید و به‌روزرسانی ساختار تنظیم‌گری، این هدف مورد غفلت واقع شد؛ همچنین برای آنکه حوزه انرژی فرایند تجدید ساختار یعنی حرکت از انحصار به سمت رقابت را طی کند، نیازمند تنظیم‌گری مناسب است؛ تا در این بین، فرایند تجدید، خود به محل تعارض منافع واقعی و فساد تبدیل نشود. فرایند تجدید ساختار شامل چهار مرحله مجزاسازی، تنظیم‌گری، آزادسازی و انتقال مالکیت به بخش خصوصی است. (عظیم زاده آرانی، ۱۳۹۷: ۴)

دستورالعمل مدیریت تعارض منافع در فرایندهای واگذاری و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های صنعت ابلاغی وزارت نفت در سال ۱۴۰۲: در این دستورالعمل متناسب با فضای صنعت نفت و شرکت‌های تابعه وزارت نفت و کارکنان آن، تعارض منافع تعریف، موقعیت‌های آن شناسایی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها صادر شده است. در بخش نیرو نیز مبتنی بر قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، بخش نامه‌ای در سال ۱۳۹۹ ابلاغ کرد و به تعریف تعارض منافع و مشخص نمودن افراد مشمول بخش نامه و تعیین ضمانت اجرا در صورت عدم عمل به بخش نامه می پردازد؛ با این وجود بخش مهمی از موارد تعارض منافع، به‌ویژه تعارض منافع مسئولان سیاسی، مقامات، و

قانون‌گذاران مغفول مانده است. می‌توان گفت برخی از این موارد مهم، تعارض منافع در وظایف کنترلی، نظارتی و بازرسی، وظایف محاسباتی، ارزیابی و ممیزی، افرادی که هم‌زمان به مقامات یا واحدهای مشابه در موضوعات مشابه مشاوره می‌دهند، افرادی که وظیفه صدور گواهی یا مجوز را دارند، افرادی که مجاز به داشتن چندین شغل یا سمت هستند، افرادی که امور متقاضیان را به دفاتر یا مؤسسات خصوصی خود ارجاع می‌دهند، و کسانی که اختیار اعطای کمک به افراد و سازمان‌های غیردولتی را دارند، در قوانین ایران به خوبی مدنظر قرار نگرفته‌اند و سازوکار مناسبی برای شناسایی و مدیریت انواع تعارض منافع ارائه نشده است. (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۷)

نتیجه‌گیری

عرصه تنظیم‌گری در حوزه انرژی، چالش‌های بسیاری را دربردارد. وجود تنظیم‌گران متعدد اعم از بخش خصوصی و عمومی، فهم متفاوت از راهبردهای مدیریتی و اولویت‌های حوزه مربوطه و وجود ساختارهای مدیریتی متفاوت، روند تنظیم‌گری را پیچیده‌تر می‌کند؛ همین امر موجب می‌شود تا دستیابی به سیاست‌های همسو در بخش‌های مختلف انرژی، جهت مدیریت تعارض منافع نیز با چالش روبه‌رو شود. وجود چهارچوبی منطقی که در عین اتمام به چالش‌های موجود، دارای راه‌حلی‌هایی برای مدیریت تعارض منافع باشد، ضروری است. افراد نقش‌های عمومی و خصوصی مختلفی را ایفا می‌کنند؛ افرادی که دارای مناصب دولتی یا سیاسی به عنوان قانون‌گذار، وزیر، رؤسای سه قوه و یا کارمند دولت هستند، دارای نقش دیگری مثل عضوی از یک خانواده، عضوی از یک صنف و... هستند. پیش از این، مدل‌ها و نظریه‌های مختلفی همچون تئوری بازی، ذی‌نفعان و... برای تحلیل موقعیت‌های تعارض منافع ارائه شده است؛ اما در این مقاله سعی بر آن است که از نظریه‌ای جدید با عنوان حکمرانی تنظیم‌گرا استفاده شود. حکمرانی تنظیم‌گرا به عنوان ابزاری کاربردی در دست دولت‌ها است. از منظر حکمرانی تنظیم‌گرا می‌توان به دو شکل با مسئله تعارض منافع مواجه شد. مواجهه‌ی اول، به صورت کلی مبتنی بر منطق این نوع حکمرانی است. حکمرانی تنظیم‌گرا دارای مؤلفه‌هایی است که به صورت خود به خودی

راه را برای شناسایی و جلوگیری از تعارض منافع هموار می‌کند. مبتنی بر شفافیت در سازوکارها و رویه‌های قانونی، مسئول دانستن نهاد تنظیم‌گر و الزام به پاسخگویی در وضع و اجرای مقررات و تأکید بر کارآمدی قوانین در حل و فصل موقعیت تعارض منافع، بخشی از منطق حکمرانی تنظیم‌گرا را تشکیل می‌دهد. در بستر تنظیم‌گری شفاف و بی‌طرف و وجود سازوکارهای نظارتی در طول چرخه حیات قوانین (از وضع قانون تا حصول نتیجه)، اعتماد عمومی نسبت به تنظیم‌گران به‌ویژه بخش عمومی افزایش می‌یابد.

مواجهه دوم، بر مبنای روش‌ها و ابزارهای نهادهای تنظیم‌گر و مقررگذار است. این نهادها مبتنی بر اصول شفافیت و مسئولیت‌پذیری و... دست به مبارزه با فساد و شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع می‌زنند. در این مرحله، سعی بر آن است که با استفاده از ابزارهای مختلف مانند ارزیابی تأثیر تنظیم مقررات، مقررات مبتنی بر اصول، سندباکس‌های رگولاتوری، تست‌بدها و تنظیم مقررات تطبیقی، امکان آزمایش و اصلاح قوانین و مقررات در محیطی کنترل‌شده، از بروز فساد و بی‌اعتمادی عمومی جلوگیری شود. به‌طور خاص، سندباکس‌های رگولاتوری با ایجاد فضایی امن برای آزمایش نوآوری‌ها و تعامل بین بخش خصوصی و دولتی، می‌توانند به توسعه قوانین و مقررات متناسب با شرایط جدید کمک کنند؛ همچنین، تأکید بر اصول شفافیت و دسترسی به اطلاعات در حکمرانی تنظیم‌گرا، به شناسایی و مدیریت مؤثرتر تعارض منافع کمک می‌کند؛ با این حال، اجرای موفقیت‌آمیز حکمرانی تنظیم‌گرا با چالش‌هایی نیز روبه‌روست. تضاد منافع گروه‌های ذی‌نفع، نفوذ اقتصادی بازیگران قدرتمند، احتمال عدم بی‌طرفی و کارایی تنظیم‌کنندگان و نیاز به بستر قانونی، منابع مالی و انسانی کافی برای اجرای ابزارهایی مانند سندباکس، از جمله این چالش‌ها هستند.

پیشنهادهای تحقیقات آتی

- پیش از اقدام به اجرا و پیاده‌سازی هر سیستم نظارتی و استفاده از ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرا باید مطالعات گسترده در خصوص بافتار و ظرفیت‌های اجرایی و بافتار و ظرفیت‌های قانونی هر کشور بررسی شود.

- استفاده از اصول و ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرا در ایران، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است؛ کمبود منابع و نبود خبرگان و متخصصین در زمینه حکمرانی انرژی، تجربه کم ایران در استفاده از ظرفیت‌های این نوع حکمرانی از جمله این محدودیت‌هاست.
- برای آنکه بتوان تجربه موفق در بومی‌سازی ابزارهای حکمرانی داشت، می‌توان با انجام مطالعات تطبیقی و بررسی سیستم‌های مدیریت تعارض دیگر کشورها، به بهترین راه برای اعمال این مدل حکمرانی رسید.
- با انجام مطالعات تطبیقی می‌توان به این نتیجه رسید که تعدد یا ادغام نهادهای تنظیم‌گر انرژی در بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کارآمد است یا خیر.
- جهت بومی‌سازی باید ابزارها و اصول حکمرانی تنظیم‌گرا متناسب با ادبیات حکمرانی ایرانی اسلامی بازتعریف شوند و بعد به کار گرفته شوند.
- مبتنی بر ادبیات حکمرانی تنظیم‌گرا، بررسی شود که وجود نهادهای متعدد تنظیم‌گر در حوزه انرژی ایران که پیش‌تر نام برده شد، خود دلیلی بر پیچیده شدن مدیریت تعارض منافع می‌شود یا خیر، و آیا نیاز به وجود تنظیم‌گری مستقل از دولت وجود دارد یا نه.
- برای آنکه ارزیابی تأثیر مقررات در ایران در مدیریت تعارض منافع به خوبی صورت گیرد، باید طراحی آن متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، قوانین حوزه انرژی و... انجام گیرد؛ برای این امر طراحی نظام ارزیابی از طریق فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی جهت آسیب‌شناسی و تدوین بهتر، قابل اجرا به نظر می‌رسد.
- با امکان‌سنجی و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع تعارض منافع برای هر حوزه به‌ویژه انرژی، می‌توان الگوهای تعارض منافع را شناسایی و راهکارهای پیشگیری را ثبت کرد.
- می‌توان بررسی کرد که استفاده از فناوری بلاک‌چین با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و حقوقی ایران تا چه اندازه قابل اجرا است.

این فناوری دارای ویژگی‌هایی همچون شفافیت فرایندها، ثبت قراردادهای، قابلیت ردیابی تراکنش‌های مالی، دارا بودن سیستم گزارش‌دهی رگولاتوری برای پروژه‌ها و رصد آن‌ها و غیرمتمرکز بودن است. باید دید ظرفیت استفاده از آن در مدیریت تعارض منافع وجود دارد یا نه.



منابع فارسی

کتاب فارسی

- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۷). گزارش توجیهی پیش‌نویس لایحه شفافیت. تهران: نشر شفاف.

مقالات فارسی

- پریمی ابوالفضل، ذاکریان مهدی، عربیان اصغر (۱۴۰۰). «نقش تعارض منافع در شکل‌گیری آسیب‌های سیاست‌های سلامت اداری». فصلنامه حقوق اداری. ۹(۲۹): ۲۷-۵۵.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23831863.1400.9.29.2.5>

- رستمی، ولی و مقیمی، لیلی. (۱۳۹۶). «بررسی چگونگی تشکیل نهادهای تنظیم مقررات انرژی در کشور با رویکرد تطبیقی». مطالعات حقوق انرژی، ۳(۲): ۲۱۹-۲۵۴.

<https://doi.org/10.22059/jrels.2018.241195.142>

- عظیم‌زاده آرانی، محمد. (۱۳۹۷). «چالش‌های نظام تنظیم‌گری بخش انرژی ایران و ارائه راهکارهای سیاستی». پنجمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

<https://conf5.mett.ir>

قوانین

- آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸

- بخش‌نامه نحوه مدیریت تعارض منافع وزارت نیرو مصوب ۱۳۹۹

- دستورالعمل مدیریت تعارض منافع در فرایندهای واگذاری و اجرای طرح‌ها و

پروژه‌های صنعت ابلاغی وزارت نفت در سال ۱۴۰۲

- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

• قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ اصلاحی

۱۳۹۹

• قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله فساد در سال ۱۳۹۰

• قانون خدمات مدیریت کشوری

• قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی

مصوب ۱۳۹۴

• قانون شفافیت قوای سه‌گانه، دستگاه‌های اجرائی و سایر نهادها مصوب ۱۴۰۳

• قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان در سال ۱۳۹۵

گزارش‌های فارسی

• هراسانی، سعید. (۱۳۹۹). چهارچوب روش شناختی بررسی تعارض منافع در

سازمان‌ها: مجموعه مبانی نظری - روشی مدیریت تعارض منافع-۱ (۱۱۰).

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی. قابل دسترسی در:

[https://discuss.tp4.ir/uploads/short-url/jZ5k83RMbNH0AO6NIiao-](https://discuss.tp4.ir/uploads/short-url/jZ5k83RMbNH0AO6NIiao-dEGStUt.pdf)

dEGStUt.pdf

سایت‌های فارسی

• دانشگاه خاتم. (۱۴۰۳). آزمایشگاه زنده صنعت چهارم. قابل دسترسی در:

<https://khatam.ac.ir>

انگلیسی

کتاب‌های انگلیسی

- Baldwin, R., Scott, C., & Hood, C. C. (1998). A reader on regulation. In Oxford University Press eBooks. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198765295.001.0001>
- Donelan, E. (2022). Regulatory governance: Policy Making, Legislative Drafting and Law Reform. Palgrave Macmillan Cham. <https://doi.org/10.1007/978-3-030->

96351-4

- Gangale, F., Mengolini, A., Covrig, L., Chondrogiannis, S., Shortall, R. (2023). Making energy regulation fit for purpose. State of play of regulatory experimentation in the EU, Publications Office of the European Union, Luxembourg., doi:10.2760/32253, JRC132259
- Hancher, L., and M. Moran. (1998). Organizing Regulatory Space. in Robert Baldwin, Colin Scott, and Christopher Hood (eds), *A Reader on Regulation*, Oxford Readings in Socio-Legal Studies. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198765295.003.0005>
- Institutional Working group (INS WG). (2023). Rules Against Conflict of Interest: Empowering Mediterranean regulators for a common energy future. Italy: MEDREG.
- Jeník, I., & Duff, S. (2020). How to build a regulatory sandbox: A Practical Guide for Policy Makers. Technical Guide. Washington, D.C.: CGAP.
- Klitgaard, Robert.)1988(. Controlling Corruption. Berkeley: University of California Press.
- Kotouček Mikolášková, Martina and Dufková, Ivana. (2018). Conflict of Interest as a Risk of Fraud. Transparency International- Ceska Republika.
- Levi-Faur, D. (2012). Handbook on the Politics of Regulation. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9780857936110>
- Linder, Stefan & J. Foss, Nicolai. (2015). Agency Theory. In James D. Wright (ED.) , *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition), Elsevier. 344-350. DOI: <https://doi.org/10.1016/B978-0->

08-097086-8.73038-8.

- Mattarella, Bernardo Giorgio. (2014). The conflicts of interests of public officers: Rules, checks and penalties, 30-38. In Jean-Bernard Auby, Emmanuel Breen and Thomas Perroud (eds.) , Corruption and Conflicts of Interest: A Comparative Law Approach. Cheltenham: Edward Elgar. <https://doi.org/10.4337/9781781009352>
- OECD. (2003). Managing Conflict of Interest in the Public Service: OECD Guidelines and Overview. OECD Publishing.
- OECD. (2005). Fighting Corruption and Promoting Integrity in Public Procurement. OECD Publishing.
- OECD. (2005). Managing conflict of interest in the public sector: A toolkit. France: OECD Publications.
- OECD. (2010), Risk and Regulatory Policy: Improving the Governance of Risk, OECD Reviews of Regulatory Reform, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/9789264082939-en>.
- OECD. (2014), The Governance of Regulators, OECD Best Practice Principles for Regulatory Policy, OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264209015-en>
- OECD. (2018), Global Indicators of Regulatory Governance: Worldwide Practices of Regulatory Impact Assessments (English). Washington, D.C.: World Bank Group. <http://documents.worldbank.org/curated/en/905611520284525814/Global-Indicators-of-Regulatory-Governance-Worldwide-Practices-of-Regulatory-Impact-Assessments>
- Office of the Auditor-General of New Zealand. (2020).

Managing conflicts of interest: A guide for the public sector.

- Rawls, John. ([1971] 1999). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- The World Bank. (2025). *Building A Regulatory Sandbox*. Available at: <https://digitalfinance.worldbank.org/sandbox/building-regulatory-sandbox>
- You, Jong- sung. (2018). Trust and Corruption. In Eric M. Uslaner (ED.) , *The Oxford Handbook of Social and Political Trust*. USA: Oxford University Press. 473-496.

مقالات انگلیسی

- Ansari, B. (2022). “Managing Conflicts of Interest in the Public Sector”. *Public Law Studies Quarterly*, 52(1), 297-321. DOI: 10.22059/jplsq.2020.292517.2235
- Aydın, Z., & Yardımcı, O. (2024). “Regulatory sandboxes and pilot projects: Trials, regulations, and insights in energy transition”. *Engineering Science and Technology an International Journal*, 56, 101792. <https://doi.org/10.1016/j.jestch.2024.101792>
- Gilbert, D. U., & Rasche, A. (2008). “Opportunities and problems of standardized ethics initiatives–A stakeholder theory perspective”. *Journal of business ethics*, 82, 755-773. DOI: <http://dx.doi.org/10.1007/s10551-007-9591-1>
- Ikechukwu, E., Jeffrey, E., & Onyemaechi Christopher, U. &. (2019). “Good Governance: The Conceptual and Contextual Perspectives”. *ACTA UNIVERSITATIS DANUBIUS*, 11(1), 113-131.
- Kjaer, P. F., & Vetterlein, A. (2018). “Regulatory governance: rules, resistance and responsibility”. *Contemporary*

Politics, 24(5), 497–506. <https://doi.org/10.1080/13569775.2018.1452527>

- Peters, Anne. (2012). "Conflict of interest as a cross-cutting problem of governance". In Anne Peters and Lukas Handschin (eds.). *Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance*. Cambridge University Press. DOI: 10.1017/CBO9781139248945.003
- Rothstein, B. (2013). "Corruption and social trust: Why the fish rots from the head down". *Social Research* 80(4), 1009– 1032.
- Scott, C. (2001). "Analysing regulatory space: fragmented resources and institutional design". *Public Law*, (Summer) 283-305.

قوانین

- Congress118th. (2023). *Combating Global Corruption Act of 2023*. Doc: Introduced in Senate (01/24/2023)
- Congress118th. (2023). *National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2024*. Doc: H.R.2670, Public Law No: 118-3, sec.5403.
- U.S Department of Energy. (2021). *Department of Energy Interim Conflict of Interest Policy Requirements for Financial Assistance*, APPENDIX 3.

سایت‌های انگلیسی

- C. Kelly, Robert. (2023). *Agency Theory vs. Stakeholder Theory: An Overview*. Available at: <https://www.investopedia.com/ask/answers/031615/whats-difference-between-agency-theory-and-stakeholder-theory.asp#toc-the-bottom-line>

- Green, Shannon. (2024). Implementation of the U.S. Anti-Corruption Strategy. Available at: <https://www.usaid.gov/news-information/congressional-testimony/mar-21-2024-implementation-us-anti-corruption-strategy>
- Lawrence Berkeley National Laboratory. (2024). Policy: Conflict of Interest in Licensing. Available at: <https://ipo.lbl.gov/for-researchers/policy-conflict-of-interest-in-licensing/>

